



۲۰۱۸/۱۲/۱۹

عبدالحمید سامع

بستر ولادت و پرورش طالب افغان و مطبوعات جهان!



(بخش ششم)

یادداشت نویسنده: این مطلب قبلاً بتاریخ ۲۰۱۳/۰۷/۲۱ تهیه و در همان وقت نشر شده است. حال جهت نشر دوباره، بدون تغییر متن به آدرس «آریانا افغانستان آنلاین» تقدیم است.

در قسمت های قبلی، از وضعیت داخلی کشور در زمان «جنگ» علیه قوای شوروی و هم چنان، تصاویری از صحنه های «کمپ های» مهاجرین در پاکستان، مختصراً بمشاهده رسید، در عین حال از مراحل قبل از آغاز بحران اخیر،



در باره موقف اجتماعی - فرهنگی «طالب»، در جامعه افغانی تذکرات بعمل آمده است، اما نا کافی بنظر می رسد. یکی از عوامل عمده و اساسی درین «بحران» طولانی در آنست که با بیجا شدن، مجموعه های بزرگی، از باشندگان افغانستان، «کینه بیگانه» نیز بطور بی سابقه دامن زده می شود. این وضعیت مانند، بحرانات مشابه در سائر نقاط جهان، نشان می دهد، که حلقات معینی که در تلاش تحکیم قدرت آنها اند، ازین اختلافات، بنفع مواضع آنها کار می گیرند. روشن نیست که به عنوان نمونه، این فرزندان «مهاجرین»، با چه اسناد می توانند، هویت و ریشه اجتماعی آنها را، بدون مانع و شک و تردید ثابت سازند و اسناد هویت بدست آورند. در شرایطی که دستهای قوی از «اجیران» جنگی، در خاک افغانستان در کار اند، و بر بغرنجی و پیچدگی های وسیع می افزایند، خیلی دشوار بنظر می رسد، تا فضای سالم اعتماد بر قرار گردد. درین دوران بحرانی، از تفاوت های «نژادی»، «قومی» و گروپبندی های محلی در جهت تشدید بیشتر تشنج کار گرفته می شود، که این هم در امر تحکیم مواضع ملی، یعنی تقویت دولت مرکزی و قانونیت، موانع ایجاد می کند. نباید چنان تلقی شود، که گویا «طالب» ناگهان و از هیچ، سر بیرون آورده باشد و در تحت تأثیر معجزه،

پیشرفت آنان ممکن است. نخیر، باید تفکیک توانست که کدام «طالب»، در چه وقت و به «چه نقش»، وارد میدان عمل می شود. وقتی «طالب» در جامعه «کهن اسلامی» ما علوم دینی می آموخت، باشندگان «محل» بر طبق رسوم و عنعنات در نظم اجتماعی و اقتصادی خاص آنها، در اعاشه و اباته و رفع سایر ضروریات پوشاک، چاره سازی می نموده اند، اما وقتی در تحت نام «طالب»، راه «جنگ» را در پیش گرفته اند، باید دقیق دریافت که چه کسانی، و یا کدام منابعی، بار مصارف هنگفت و اکمالات آنها را، بعهده می گیرند. ازین ماشین جنگی، که نظارت و رهبری می کند. آیا «طالبان» امروز که زبانزد عام و خاص شده اند، همه، همان «طالب العلمان» مسلکی، در محوطه مسجد و مدرسه «دینی» اند، که حال سلاح های «جنگی» جدید را بکار برده می توانند. از بهترین و پیشرفته ترین تکنیک استفاده می کنند.

قابل تذکر است، که در همان مرحله «حضور قوای شوروی»، در جریان «مقاومت» علیه آنها و بر ضد حکومت تحت الحمايه آنها در افغانستان، که تاسیس «مدارس جدید دینی»، در «مجاورت کمپ های» مهاجرین، بکمک «عربستان سعودی» و سائر کشور های «عربی» و اسلامی، تشدید یافته است، نه تنها در بین این نسلی از «طالبان» یا «شاگردان مدارس»، برای اطفال «مهاجرین افغان» تعلیمات «نظامی» به پیش برده می شده است، بلکه از جهت «آیدیالوژیکی»، «داوطلبان» اسلامی از سراسر دنیا، نیز درین «مدارس» و هم در پروسه «جهاد»، با آنها می پیوستند، که «نوعی از انترناسیونالیزم اسلامی» و «افراطیت» نیز، در مقابل «انترناسیونالیزم پرولتری» و «انٹی امپریالیستی»، رشد می نمود.

نمونه های چنین «مبلغین» در آزمان در سراسر حلقات و «تنظیم های جهادی» نیز حضور داشته اند. در چنین «مدرسه ها» بر اساس گزارش «فلمی»، این اطفال توسط همچو «ملا ها»، که در عکس بالائی دیده می شود، تدریس می گردیده اند. دریافت منابع معلوماتی جدید، که پیوند های مهم را از منابع معتبر رسمی افشاء می سازد، نویسنده این سلسله را بر آن داشته است، تا در جایی که معلومات توضیحی لازم باشد، خارج از «نظم» و «تسلسل» معمول «کرونولوژی»، علاوه نماید. زیرا نشر قبلی بعضی از قسمت ها، این حالت اخلاص، در تسلسل را بوجود آورده است. قبلاً در یکی از گزارشات، که وقایع آغاز یافته اخیر سال ۱۹۷۹م، یعنی «هجوم قوای شوروی» به خاک «افغانستان» را با «جنگ ویتنام» و مقابله های قدرت های بزرگ، یعنی «مسکو» و «واشنگتن» در «فضای جنگ سرد»، از آغاز «عملیات» های سرپوشیده «سی. آی. ای.» در زمان «جیمی کارتر»، تذکر داده شده، درین «برنامه»، برای اینکه، «خطرات جنگ سوم جهانی» را هم از نظر دور نداشته باشند، «واشنگتن» از «جانب سعودی» وعده پرداخت «پول» و از «جانب پاکستان» وعده و «آمدگی»، برای سازماندهی «مقاومت» و به اصطلاح «وساطت» در رسانیدن همه وسایل، به «مجاهدین افغان» را، حاصل نمود.

در حقیقت فعالیت های رسمی و سر پوشیده، یعنی آنچه از خاک پاکستان و مناطق «قبایلی» براه افتاده است، در «آغاز» بر همین «سه ستون»، یعنی فعالیت های سه «دولت» استوار گردیده است. بتدریج البته در ساحات مختلف، توسعه یافته است، که بعداً در مورد صحبت خواهد شد. از جانب پاکستان، مدتی هم شخص، «حمیدگل» در مرکز سازماندهی همه فعالیت ها، به ارتباط «مجاهدین» افغان و «سران» آنها قرار داشته است. (حمید گل از سال ۱۹۸۷م - ۱۹۹۲م، مسوول «آی.اس. آی»، تصویر فوق بالباس سفید و واسکت سیاه)

آنچه قابل توجه است، اینست که از تأسیس «مدارس دینی»، بکمک «مالی» سعودی و اعراب و هم چنان پیوستن



«داو طلبان» اسلامی از سراسر جهان، که در گزارش طولانی «ویدیوئی» تذکار یافته است، در سال های قبل از بروز «طالبان»، بحیث یک «جنبش» و «نیروی جنگی»، نیز گزارش داده شده است، بطور مشخص «سی. آی. آی.» از آگاهی آن سازمان در رابطه با موجودیت «داو طلبان» عرب، منجمله «اوساما بن لادن» (تصاویر سمت چپ) تذکر داده، تأکید می نماید، که «سی. آی. آی.»، فقط با افغان ها «تماس مستقیم» داشته است. در نخستین گزارش مختص به «سی. آی. آی.»، به «گنګرس» امریکا گفته اند، هرگاه به «افغان ها» اسلحه داده شود، قابلیت آنرا دارند، تا شوروی ها را «بیرون برانند.» در همان گزارش، همچنان، یاد آور شده اند که «اشغال افغانستان سهل است، اما نگهداشتن آن دشوار». شایعات و ادعا های داشتن تماس، با «داو طلبان» اسلامی و «عربی» را، از زبان مسؤولین «سی. آی. آی.»

رد نموده، در عین زمان، هم چنان واضح گفته شده است، که «از طرف بن لادن» خطر احساس نمی نموده اند.

زیرا طوری که تصاویر بعدی نشان می دهد، «بن لادن» در آلمان، با «بن لادن» بعدی، کاملاً «تفاوت» داشته است. از جانب دیگر موقف «اجتماعی» او و هم نفوذ و موقف خانواده او با «پیوند های عقیدوی بر بنای «وهابیت»»، با «خاندان سلطنتی سعودی» و روابط «سعودی ها» با «غرب» و بخصوص با ایالات متحده امریکا، که چنین رشته ها را بعد از بمیدان آمدن «رژیم آخوند» های «شیعه»، در ایران، تحکیم و تعمیق بخشید بودند، خیلی نزدیک بوده است. این هم ممکن یکی از دلایل بوده باشد، که نیازمندی به «جذب» او را، احساس ننموده باشند. در بین «سائر داوطلب ها» تمایلات «ضد صلیبی»، خیلی افراطی نیز، بمشاهده می رسیده است، اما چون در «کشتن کمونیست ها»، اشتراک می نموده اند، در بین جنگی ها و مذهبیون فعال بوده اند. لذا بنابر محتوای این «گزارش» «سی. آی. آی.»، با آنها، غرض، نداشته و حتی تذکار می یابد که، «سروکار نداشته اند». در مورد «اوساما بن لادن» و سائر «داوطلبان» اسلامی «افراطی» اعراب، هم چنان تذکر رفته است، که با پول خود آمده بودند، گفته می شود، که این «حلقات» هیچگاهی، «پول» و سائر «کمک های مالی» از منابع «سی. آی. آی.» بدست نمی آورده اند. بدین معنی که «فعالیت های» آنها، «مستقل» انجام می یافته است. طوری که قبلاً گفته شده است، در جمله، در باره «فعالیت های» داوطلب سعودی ثروتمند معروف به «اوساما بن لادن»، «حمید گل» بزبان خود، توصیف نموده است و «اعمارتونل ها» و پناه گاه ها و راه ها را در مناطق کوهستانی و سائر «کمک ها» به «مهاجرین»، از او دانسته است. براساس «رپور» همین گزارش دهنده، که از «حمید گل» به عنوان دروازه بان، رسانیدن «کمک» «سی. آی. آی.»، به جانب «مجاهدین» یاد نموده است، در حال «حاضر» بحیث یک «افراطی اسلامی»، تبلیغ «کشتن اتباع امریکائی» را بزبان می آورد. این شخص در حال حاضر، موقف رهبری در نقش تعیین خطوط «تبلیغاتی» ضد غربی را برای تمام «طالبان»، بشمول گروپ های «حقانی» و گلبدین، بدوش گرفته است. در جایی ادعا دارد که گویا مخالفین «طالبان» می خواهند، آنها را «تحقیر» نموده، «نفرین» کنند. مدعی می گردد که «این چگونه ممکن

است. باید تمام ملت را تحقیر و توهین کنند.» این عوام فریب چشم سفید و مفسد، همین «افراطیون انتحاری» را می خواهد، به عنوان «تمام ملت» بفروشد.

از وضعیت می توان طوری برداشت نمود، که سایه شوم، این «خدمتگزار» وقت «جهنم استخباراتی»، تا اکنون، ممکن خواب را از «چشمان» رهبران «تنظیم های جهادی»، ربوده باشد و یا اینکه، رشته های پیوند «عقیدوی» و «اهداف سیاسی» را با آنها، حفظ نموده باشد. «عظمت طلبی منطوقوی» در کلمات و اعمال او مشهود بوده است.

از «سخاوت» های این ثروتمند عرب «وهابی»، یعنی «اوساما بن لادن» با «مجاهدین افغان»، «انجنیر احمد



شاه»، یکی از اعضای رهبری «اتحاداسلامی...» رسول سیاف «وهابی»، وزیر داخله در حکومت «تنظیمی»، افغانستان در سال ۱۹۹۳م ، همچنان با آب و تاب، حکایت می کند. («احمد شاه صدر اعظم افغانستان از سال ۱۹۹۵م تا ۱۹۹۶م). حال بر می گردیم، به بخش های بعدی وقوع حوادث، قبل از وارد میدان شدن «جنگی های طالب» در ختم قسمت سوم، تصویری را مشاهده نمودیم، که عضو «هیئت تحریرمجله مصور «شترن»، چاپ آلمان را در قسمتی از «کابل ویران» نشان داده است.



حال به این تصویر، بعد از تصور «انجنیر احمد شاه، پکول پوش» نظر اندازید، که با خط درشت و سرخ، ازین جنگ به عنوان، «جنگ فراموش شده» نام برده شده است. در سطر های بعدی، بعد از خط درشت سرخ، برنگ سفید می خوانیم: «یکجائی کمونیست ها و اشغاگران شوروی را تارومار کردند. از آنوقت ببعد «جنگی های خدای» اسلامی در افغانستان علیه همدیگر بر سر حاکمیت در کشور می جنگند. پایتخت کابل بیک ویرانه مبدیل گردیده است. هر روزه ده ها انسان کشته می شوند – باز هم جهان بندرت از آن یادداشت می گیرد.» («شترن» صفحه ۱۷، شماره ۴۷ سال ۱۹۹۴م)



در همین شماره در صفحه ۳، در تحت عنوان: «نقطه داغ» می نویسد: «زمانی که جنگی های اسلامی خدا در افغانستان قدرت را بدست گرفتند، عضو هیئت تحریر «شترن»، «گابریل گروینر» (Gabriel Grüner) در آغاز سال ۱۹۹۲م، با فاتحین، وارد کابل شده بود. وقتی چندی قبل دوباره به افغانستان سفر کرده است، این مرتبه فقط در تحت حفاظت قطار

صلیب احمر بین المللی ممکن بوده است. زیرا پیروزمندان دیروز، دشمنان امروزی همدیگر شده اند. گروپ های متعدد بر سر حاکمیت در کشور می جنگند. اکثریت دیپلمات های خارجی و نمایندگان سازمان ملل متحد، شهر پرمصیبت را ترک گفته اند. در قسمت پائین تصویر در سمت چپ چنین تحریر یافته است: «ما به پیروی از اوامر می جنگیم: یک عسکر طفل از قوای حکومتی، در یک وقفه خاموشی جنگ در کابل ویران.»

جهت تسهیل، به عنوان تکرار «احسن»، تصویر قسمت سوم را بار دیگر درینجا، علاوه می نمائیم: عضو «هیئت تحریر: «گابریل گروینر» شخص دوم از سمت چپ. : دیدار دوباره از یک شهر «ویران»»

«زویید دویچه سایتونگ»، روز دوشنبه تاریخ ۷ «نومبر» ۱۹۹۴م، از منابع پاکستان نخستین خبری را بدین متن منتشر می سازد، که می توان از آن به عنوان تولد «طالب» سیاسی- نظامی، نام برد: «قندهار در کنترل محصلان مذهبی در آمد.» به ادامه این خبر مختصر می خوانیم: «شهر جنوب، قندهار بر اساس اظهارات پاکستانی ها، توسط جنگی های «طالبان» کنترل می گردد. این گروه که خود را «مذهبی» می داند، «میدان هوایی»، «ولایت» و «فرقه» را اشغال نموده اند. اهداف آنها را باز نمودن راه «ترانزیتی» بین پاکستان و افغانستان یاد نموده اند، که در جنگ غیر قابل عبور گردیده است.»

یک روز بعد از خبر قبلی روزنامه آلمانی، یعنی بتاریخ ۸ «نومبر» ۱۹۹۴م، همین روزنامه «زویید دویچه سایتونگ»، خبر می دهد: «رئیس جمهور افغانستان آتش بس یا «اور بند» را می پذیرد.» بر اساس این خبر قرار بوده است، تا نماینده سازمان ملل متحد، یک «کمسیون» ۲۶ نفری را تشکیل می داد، تا در مدت «چهار ماه» برای تدویر لویه جرگه آمادگی می گرفتند. همین روزنامه، بتاریخ ۲۲ «نومبر» ۱۹۹۴م از اسلام آباد، خبر داده است که: «اسلامیست ها کابل را با راکت زیر آتش گرفتند.» در متن می خوانیم: «قوای گروه «رادیکال» یا «افراطی مجاهدین»، «حزب اسلامی»، صدر اعظم گلبدین حکمتیار، بتعداد ۳۰ راکت بر کابل فیر نموده است. حکومت رئیس برهان الدین ربانی، خبر داده است که به عساکر آن امر صادر کرده است، تا از مقررات «آتش بس» ای که یک هفته قبل، اعلام گردیده بود، پیروی نمایند. این آتش بس، برای حفاظت کمک کنندگان سازمان ملل متحد، که یک «کمپاین واکسین» مردم را در پیش داشته، تعیین گردیده است. تنها در دو ماه گذشته، بر اساس اظهارات «صلیب احمر»، درین «جنگ های بر سر قدرت» در کابل، حدود هزار انسان جان داده اند.

روزنامه «نویس دویچلند»، چاپ آلمان در شماره ۱۹۹۴/۱۱/۲۲، با نشر تصویر فوق (سیاه و سفید) تحت عنوان درشت دو سطر به متن ذیل مینویسد: «پایخت افغانستان از دیر زمان به «ساریوو» مبدل گردیده است.»

فقط ۸۰۰۰۰۰ باشندۀ متباقی، اکثراً در تعمیرات و خانه های صدمه دیده سنگین شب گذرانی دارند. همین روزنامه نفوس کابل را در سال ۱۹۹۰م، ۲،۵ میلیون منتشر ساخته است.

بتاریخ ۲۹ «نومبر» ۱۹۹۴م، «زویید دویچه سایتونگ»، از منابع «رویتر» از «پیشاور» خبر داده است: «ملیسه های افغان می خواهند مذاکره نمایند.» متن خبر را چنین بیان می دارد: «جوانب درگیر منازعه در افغانستان می خواهند در تهران با وساطت کنفرانس بین المللی اسلامی، روی خاتمه بخشیدن به جنگ بر سر قدرت، بمذاکره بنشینند.»

هر دو جانب جواب مثبت داده اند، تا نمایندگان خود را به پایتخت ایران بفرستند. یک سخنگوی گروه ای که به طرفداری از رئیس جمهور ربانی می جنگد، در پیشاور پاکستان گفته است، که به تهران بدون شرط قبلی، می روند. در آنجا، گروه های «مجاهدین» در مقابل همدیگر قرار خواهند گرفت، که توسط صدر اعظم گلبدین حکمتیار و آمر ملیشه، دوستم رهبری می گردند. بر اساس اظهار یک سخنگوی کنفرانس بین المللی اسلامی، نمایندگان گروه های بی طرف نیز به اشتراک آنها درین مذاکرات جواب مثبت داده اند. هر دو جانب از شروع سال به اینطرف عمدتاً در کابل به زد و خورد پرداخته اند. در اخیر هفته هم چنان ملیشه های حکمتیار، شهر را که توسط افراد ربانی کنترل می گردند، زیر آتش گرفته اند.»

جای شک نیست که در جریان سالهای کم و بیش «۱۳» سال حکومت، «چیپی»، موضوعات زیادی از منازعات در جامعه دامن زده شده است. اختلافات «سیاسی» و عطش گروه های متعدد، برای رسیدن به قدرت که قطب های «عمده» آراء، در یک طرف «پیروان» «اخوان المسلمین» بین المللی و در قطب مقابل، «انترناسیونالیست های چیپی» تشکیل می داده اند، مسائل

افغانستان را از «چهارچوب داخلی»، به صحنه «بین المللی» کشانیدند. آنچه با «مخالف» و «حلقات طالب» ارتباط می گیرد، حضور آنها در جامعه افغانستان، از بیش از ۵۰ سال، حکایت می شده است، اما نه با این «ماهیت» بعد از سال های ۱۹۹۴ م. در زمان «سلطنت» حوادثی هم «صورت» گرفته است، که بر «روی دختران مکتب تیزاب» پاشیده شده است. در حقیقت امر، این افراد، که از «آنها» به عنوان «پیشقدمان» فعالین، چون «گلبدین حکمتیار» شناخته شده اند، اعمال آنها، در قدم اول، بر ضد «نهضت زنان» و حرکت بسوی «مدرنیزم» در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، که مراکز این حلقات را در خاک «پاکستان» یاد می نمودند، متمرکز بوده است. در طول زمان «جنگ» علیه قوای شوروی، افراد آنها، بحیث «مبلغین» در تمام «تنظم ها» نفوذ نموده بودند. سه و نیم دهه «جنگ» در باره «هویت افغانی» آنها، حالات بغرنجی را بوجود آورده است.

با «سقوط رژیم چپ» و قدرت رسیدن «تنظیم های جهادی» مستقر در «پشاور» و «تهران»، که مستقیماً «آتش جنگ داخلی» توسط آنها «شعله ور» گردید، بخصوص بعد از اینکه «مسکو» و «واشنگتن» بر «حل صفری»، یعنی «فیصله» عدم تسلیمدهی «اسلحه» و غیره به جوانب درگیر، توافق رسیدند، در حقیقت امر از مسائل افغانستان هر دو، به ظاهر «رو» گردانیدند، «بازیگران» منطوقی، یعنی کشور های «همسرحد» افغانستان، هر یک با قوت و تناسب متفاوت، در جهت حفظ منافع آنها، با استفاده از شرایط «جنگ داخلی»، به تقویت «فعالیت های پس جبهه»، در چهارچوب «فعالیت های» خارج از «سرحدات» آنها، در داخل افغانستان، وارد میدان شدند. ممکن به ابعاد و ریشه های عمیق پرابلم های کنونی ما، بوضاحت بیشتر آگاهی حاصل نمائیم، در صورتی که عوامل خارجی و داخلی را در همه مقاطع از نظردور نداشته باشیم. وقایع «سیاسی» را در تابعیت عوامل و مناسبات، همان مرحله ارزیابی نمائیم. به عنوان نمونه، در دهه شصت و هفتاد، قرن گذشته، حرکات معینی از فعالیت ها، به «جانبداری» از «سیستم های»، خارجی محسوس بوده است. در آنزمان، از حضور و نفوذ مختص «عمال» و «معاش خوران» رژیم «شاه ایران» و استخبارات وقت آن، یعنی «ساواک» نیز در افغانستان «شایع» بوده است، که از تفصیل صرف نظر می گردد. اما حوادث مهمی که درین منطقه صورت می گرفته است، اثرات مشهود بر یکدیگر داشته است. انکشافات در ایران، پاکستان و افغانستان، در مقایسه با سایر همسایگان، در اذهان مردمان آن، بیشتر اثر داشته است.

ادامه دارد ...



بخش اول این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۱.pdf

بخش دوم این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۲.pdf

بخش سوم این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۳.pdf

بخش چهارم این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۴.pdf

بخش پنجم این مطلب را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۵.pdf

بستر ولادت و پرورش طالب افغان (بخش ششم)

[saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۶.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saameh_a_h_bestar_welaadat_taaieb_afghan_۶.pdf)